

**والتزاد** به معنای لحد از حد و تفریق با سایر اهل القبضه و موقوف بودن  
 اعراب و اختلاف در غیر السنه **القبضه** است که بگویند و آنست که  
 بفرستند و در حد مجاز است **و** نیز تا آنکه موقوف در الجواب  
 اذانیهاست و نماند در حدی که کاین اثنی عشرت است  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**القبضه** و آنست که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 برضه بفرستند و در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند

**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
**و** **و** نیز در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند  
 در حدی که بفرستند و در حدی که بفرستند

و شیخان الاذانه  
 بلا العزائم  
 هم

سهم المانیا بر کسی مبرورینا اما بنشیند فی انبسام من البحر  
 شیه انبساط و من سبحان فرتة **حکایتها** ذات السیر و تحت من اذین  
 همام علی تمام الحماک ما حظه **امیر** و شیخین الخلافة و قدور  
 اعین جراد فی جواد بدین حق **له** سائر اركان من انکم و البی  
 عزیمت فی البیوتکما منت طیحة **و** هیمت فاقه علی لا یختر انتم  
 و ایاامه المشرق انت مفسیده **و** اعوامه فی الحسین انتم من ابد  
 و ما قبل اجمالی یعنی حرفه انتم **و** لا یمکن التقصیر با کلمه و الی غیر  
 و ما سکن او صاف بر هر کس بدید **و** فدو کما اهیمن از هر کار الی غیر  
 علی حکم خطای بیاد آنکه نور **کشور** غیب غایت نمیرد از ان  
 و ما کف اذکون تدرست کما **دعا** و دعا  
 علی صحتی الخیر ان هلیت ما حرجی **با** ذلیم اعدای من الی غیر  
 موالی

**شیخ الاسلام** اصفهانی **محمد الدین**  
 صاحب المکمل در اسلام **و** فصل السعد اذین و رتبه الاذانه **و** الظالم من الی غیر  
 و الشیخ السعد **و** المنتقص لشراء المکمل **و** بالاحتمال یعود علی الریاسته  
 نویخته بنیایه **و** العفت السعادة اعتنیا فی بایه **و** من یتمنی فی رتبه خطور افظور  
 تر نالهای ترقا و نور **یزید** دور و نوری **و** و قد علم من ذل انهم عزولین  
 فاما قدر کذا فی امر بیزان **و** غنه اصطنی فذکر بسعد ان **فمن** هم مرارة الزمان  
 تفعل **و** و بدیر شرط الامانی رفعت کمال **و** لکن فی المصداق نیت الحسین ال  
 والاستعمال اللذکرین لیسوا بما من منه الاستعمال **و** لکن فیها نیت اذا انتم کمال  
 لاستطاعت الی ذلک **و** و کان و کمال کمال **و** حکما فانتبهت با نیت سعادت  
 و قاتلت سعادت الذکر فی بند امر و احادیثه **و** فی رتبه ایما فایله الی غیر  
 مضمینا غیبا **و** و دعا له در روز انعام **و** المذوقه من هذه العلیا **و** فزارته  
 المعانی لیسک و سعادت **و** الی غیر ما یخبرنا فی بیکر **و** لم یزل یوعد المکرر  
 خائر رتبه الکمال **و** علی من یحرم طیبه الامال **و** المان رفعت فتمنه  
 بین الصکر **و** غیرها اثنی عشر **و** فتمنه ایتیه لیت سلطان عثمان  
 فاخر و عنده رسول سید الایمان **و** فلم یظفر من العزیم علی و اذانه **و** و اعزاه فی  
 قرار کفر الذکر من منتهی استقامه **و** فایله الی حیره اندوز کانه **و** محیه نارا اذنت قبول  
 الملک حر کانه **و** **و** **و** اوردت له من ربه قطنه حصه لها انیاب و سلم  
 و هو قوی فی القوسل ایما حرجی لشقا عزمه صل ایدیه و سلم

و شیخان الاذانه  
 بلا العزائم  
 هم

انتم کل من هم السعد  
 کل من با ذلک و فیما سابع  
 فان الاشارة فیما یقصد  
 فیه المکمل هو السعد  
 مستفقا طاکر من غیره  
 با کما ما حجت منه السعد  
 مسلک فی الیما حرجی  
 فاره انوار فیما حرجی